

## اسراف، عوامل و راهکارهای مبارزه با آن

محمد حسین حسینی\*

### چکیده

اسراف، مهم ترین مانع توسعه اقتصادی، است. اسراف به معنای خارج شدن انسان از حد اعتدال در هر کاری است که انجام می‌دهد. از نظر قرآن و روایات، در حرمت اسراف، جای شکی نیست و از گناهان کبیره محسوب می‌شود.

براساس دستورات اسلام، باید کلیه شئون زندگی در صراط مستقیم و حد اعتدال قرار گیرد و معیار حد اعتدال در مورد مقدار مصرف، با عرف است، هر کسی موظف است زندگی خویش را طبق شأن و موقعیتی که در اجتماع دارد تنظیم کند؛ یعنی آن مقدار از هزینه‌هایی که با موقعیت اجتماعی و شأن زندگی انسان موافق و سازگار است، اقتصاد و تقدیر معیشت است و آنچه از این حد تجاوز کند، اسراف و زیاده روی است.

اسراف، زیانهای گوناگون فردی و اجتماعی دارد و اسرافکار، از هدایت خداوند محروم گشته و گرفتار خشم خدا می‌شود، از شکر نعمت‌های خداوند غافل شده و فقر، هلاکت و کیفر اخروی را به ارمغان می‌آورد. اسراف، انسان را از درجه اخلاق اسلامی ساقط نموده در مسیر عیاشی قرار میدهد و موجب ضعف ایمان، اختلاف طبقاتی و فساد اجتماعی می‌شود. اسراف، معلول جهل و نادانی، ضعف ایمان، تربیت غلط؛ تجمل‌گرایی، تهاجم فرهنگی، تبعیض، نداشتن آرمان و وجود ثروتهای کلان در دست عده‌ای خاص است.

\* دانش پژوه و محقق مجتمع آموزش عالی فقه مدرسه حجتیه قم.



برای مبارزه با اسراف، ابتدا بایستی سند و نقشه راهبردی تهیه شود و با مدیریت قوی، فرهنگ سازی، صورت گیرد. فرهنگ سازی را می‌توان از طریق آموزش همگانی به دست آورد که از جمله مصادیق آن، «گنجانیدن اصلاح الگوی مصرف، در برنامه توسعه و نظام آموزشی کشور، توجه دادن مردم به تربیت های معنوی اسلام و زیانهای اسراف و کیفیهای اخروی آن و نقش ثروت در گسترش مکتب اسلام» می‌باشد و درنهایت، ارائه الگوی آموزشی به مردم از طریق سازمانهای ذی ربط، از جمله بهره گیری از برنامه های صدا و سیما در راستای اصلاح الگوی مصرف، تشکیل کمیسیون اصلاح الگوی مصرف در تمام ادارات، و... میتواند مؤثر باشد.

**کلید واژه‌ها:** اسراف، تبذیر، اصلاح، اعتدال، الگوی مصرف.

### مقدمه

در کشور جمهوری اسلامی ایران، سیاستها و جهت گیریهای کلی از طرف رهبر معظم انقلاب، حضرت آیه الله العظمی خامنه‌ای -دامت برکاته الشریف- اتخاذ می‌شود؛ در این راستا بود که ایشان، سال ۱۳۸۸ را سال اصلاح الگوی مصرف نامگذاری نمودند و در واقع، یکی از مهم‌ترین موانع پیشرفت کشور را در دستور کار دولت و ملت قرار داد و بدین وسیله، مسئولان و مردم را متوجه نمود. به حجم عظیم از ریخت و پاشیهای که در این کشور، صورت گرفته و می‌گیرد. اهمیت این مسئله وقتی روشن میشود که به دقت در ریخت و پاشیها و اسرافگریهای این ملت بنگریم و هر مورد را با استانداردهای بین‌المللی مقایسه کنیم آنوقت خواهیم دید که با عاداتهای بی‌جا و عدم احساس مسئولیت برخی افراد، چه سرمایه عظیم ملی به هدر می‌رود! از اینجا معلوم میشود که این جهت گیری از طرف رهبر معظم انقلاب، چقدر بجا و حکیمانه بوده است که اگر مردم و مسئولان به آن جامه عمل بپوشند، (نه اینکه در حد شعار به آن بسنده کنند، بلکه به صورت ریشه‌ و اساسی در طول سالهای آینده نیز مبارزه با اسراف، را ادامه دهند)، موجب پیشرفت عظیم اقتصادی و سیاسی خواهد شد. اگرچه مقام معظم رهبری در پیام نوروزی سال ۱۳۷۵ نیز فرمود: «باید انضباط اقتصادی داشته باشیم و اسراف نکنیم» ولی در آن سال، توجه کافی نشد، اما در سال ۱۳۸۸ که این مسئله جهت‌گیری اصلی نظام قرار گرفت و توجه مردم و مسئولان نیز به این مسئله معطوف



شد، بعد از آن کارهای نسبتاً خوبی صورت گرفت که از جمله آنها می‌توان برنامه هدف مندی یارانه‌ها را نام برد، ولی اینها کافی نیست و برنامه ریزی کلانی را تا رسیدن به حد مطلوب لازم دارد. بنابراین، بایستی هرفردی در این مورد، دین خود را به نظام مقدس جمهوری اسلامی اداء کنند و راه حل‌های اساسی برای توسعه اقتصادی و اصلاح الگوی مصرف، ارائه دهند.

باتوجه به تاکید اسلام به پرهیز از اسراف و اینکه اسراف یکی از موانع مهم توسعه اقتصادی هر جامعه می‌باشد این نوشتار بر آن است که رویکرد اسلام را در مورد اسراف، با استفاده از برخی آیات قرآن و احادیث معصومین-علیهم السلام- مورد بررسی قرار دهد؛ از این رو سؤال اساسی، این است: اسلام برای سلامت جامعه از اسراف، چه توصیه‌هایی دارد و عوامل و موانع آن چیست؟

## بخش اول: مفهوم شناسی

### الف- اسراف در لغت

اسراف از ریشه سرف به معنای «تجاوز کردن از قصد و میانه روی»،<sup>۱</sup> «نقیض اقتصاد»<sup>۲</sup> «و از حدّ گذشتن» در هر کاری است که انسان انجام می‌دهد<sup>۳</sup> و نیز خوردن آنچه که حلال نیست و انفاق در غیر طاعت خدا را گویند.<sup>۴</sup>

### ب- اسراف در قرآن

واژه اسراف در برخی از آیات قرآن کریم در معنای «از حدّ گذشتن در گناه و نافرمانی خداوند» استعمال شده است.<sup>۵</sup> در برخی دیگر به معنای «از حدّ گذشتن در انفاق»،<sup>۶</sup> و «زیاده روی در خوردن یا مصرف آنچه حلال است»،<sup>۷</sup> و «افراط در کاری»، آمده است.<sup>۸</sup>

### ج- اسراف در اصطلاح

واژه اسراف به معنای خارج شدن از حدّ اعتدال و تجاوز از حدّ در هر عملی است که انسان انجام می‌دهد؛ هر چند که -به گفتهٔ راغب- غالباً در مورد پول خرج کردن استعمال می‌شود.<sup>۹</sup> کلمه اسراف واژه بسیار جامعی است که هر گونه زیاده روی در کمیّت، کیفیت، بیهوده‌گرایی، اتلاف و مانند آن را شامل می‌شود؛<sup>۱۰</sup> چنانچه امام علی<sup>۷</sup> می‌فرماید: مافوق الکفاف اسراف؛<sup>۱۱</sup> هر چیزی که بیش از نیاز مصرف شود اسراف است.



#### د- تبذیر

تبذیر از ماده «بذر» به معنای «تفریق» است و بعداً استعاره گرفته شده برای کسی که مال خود را ضایع می‌کند.<sup>۱۲</sup> علامه طباطبایی می‌فرماید: «تبذیر»، به معنای پاشیدن با اسراف است، و در واقع از بذر افشانی گرفته شده است، نهایت فرقی که با بذر افشانی دارد این است که افشاندن در آنجا به منظور استفاده است و در اسراف به منظور افساد و به همین جهت در هر جا که به منظور اصلاح باشد تبذیر گفته نمی‌شود؛ هر چند که زیاد باشد.<sup>۱۳</sup> از امام صادق 7 در باره این آیه سوال شد: «وَلَا تُبْذِرْ تَبْذِيرًا»<sup>۱۴</sup> در جواب فرمود: «هر کس هر مصرفی در غیر اطاعت خدا کند مبذّر است و هر هزینه‌ای که در راه خدا کند در آن اقتصاد و میانه روی را رعایت کرده است.»<sup>۱۵</sup>

#### هـ: تفاوت اسراف و تبذیر

با در نظر گرفتن ریشه لغوی اسراف و تبذیر، وقتی این دو در مقابل یکدیگر قرار می‌گیرند، اسراف به معنای خارج شدن از حدّ اعتدال است، بدون آن که چیزی را ظاهراً ضایع کنند؛ مثل آنکه کسی چنان غذایی گران قیمت تهیه کند که با قیمت آن بتوان عدّه زیادی را آبرومندانه تغذیه کرد، در اینجا از حدّ اعتدال تجاوز شده ولی ظاهراً چیزی نابود و ضایع نشده است.

اما تبذیر آن است که آن چنان مصرف کنیم که به اتلاف و تضييع منجر شود؛ مثل اینکه برای دو نفر میهمان غذای ده نفر را تهیه کنیم -انگونه که بعضی به نادانی انجام می‌دهند و به آن افتخار می‌نمایند- و باقی غذا را در زباله دان بریزیم و اتلاف کنیم.

ناگفته نماند که در بسیاری از موارد این دو کلمه در یک معنی به عنوان تأکید به کار می‌رود؛ چنانکه امام علی 7 در نهج البلاغه می‌فرماید: «لَا إِنَّ اعْطَاءَ الْمَالِ فِي غَيْرِ حَقِّهِ تَبْذِيرٌ وَ اسْرَافٌ وَ هُوَ يَرْفَعُ صَاحِبَهُ فِي الدُّنْيَا وَ يَضَعُهُ فِي الْآخِرَةِ وَ يُكْرِمُهُ فِي النَّاسِ وَ يَهِينُهُ عِنْدَ اللَّهِ.»<sup>۱۶</sup> آگاه باشید مال را در غیر مورد استحقاق صرف کردن تبذیر و اسراف است، این عمل انسان را در دنیا بلند مرتبه می‌کند؛ اما مسلماً در آخرت او را پست و حقیر خواهد کرد، در نظر مردم ممکن است سبب اکرام گردد اما در پیشگاه خدا موجب سقوط مقام انسان خواهد شد.



بنابراین، تضييع مال به هر شکل و صورت، چه به صورت دور ریختن، بیش از حد نیاز مصرف کردن و چه صرف در اشیای لوکس و تجمل‌های فاسد کننده، در آموزه‌های اسلامی به «اسراف» و «تبذیر» تعبیر شده است.<sup>۱۷</sup>

### و- تقییر و قوام

تقییر در مقابل اسراف، به معنای کوتاهی کردن در انفاق است و قوام، به معنای حد وسط میان اسراف و اقتار است.<sup>۱۸</sup> طبق آیات قرآن و روایات، اسراف، تبذیر و تقییر، مذموم و ناپسند هستند و فقط قوام، ممدوح و پسندیده است، که خداوند متعال درباره مؤمنان می‌فرماید: «الَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَ لَمْ يَقْتُرُوا وَ كَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا»<sup>۱۹</sup> کسانی که هر گاه انفاق کنند، نه اسراف می‌نمایند و نه سختگیری؛ بلکه در میان این دو حد اعتدالی دارند.

### بخش دوم: اسراف و لزوم مبارزه با آن

سال ۱۳۸۸ که از سوی مقام معظم رهبری، به نام سال «اصلاح الگوی مصرف» نامگذاری شد یک عنوان عام و فراگیر است که در تمامی نعمتهای الهی بایستی رعایت شود در این میان اسراف، مهم ترین مانع آن، محسوب می‌شود. هر جامعه که بتواند اسراف را ریشه کن نماید یا به حداقل برساند قدمهای اساسی به سوی توسعه اقتصادی بر داشته است. مسئله انرژی، مهم ترین مسئله است؛ امروزه جهان با تقاضای فزاینده‌ای برای تامین و تولید انرژی مواجه است، به گونه ای که تامین انرژی به عنوان یک نیاز استراتژیک و وابسته به منافع ملی و حیات کشورها محسوب شده و کشوری که از تامین انرژی بالاتری برخوردار باشد، رشد اقتصادی و رفاه پایدارتری دارد.

بر همین اساس مدیریت بهینه سازی و اصلاح الگوی مصرف انرژی، نقش کارآمدی در رشد و توسعه اقتصادی و اجتماعی کشورها دارد و هیچ کس نمی تواند منکر نقش و جایگاه اساسی انرژی در رشد و توسعه اقتصادی کشورها شود. بخشهایی که بیشترین سهم را در میزان اتلاف انرژی کشور به خود اختصاص داده اند عبارتند از: مصارف خانگی، حمل و نقل و بخش صنعتی که پیشنهادها و راهکارهای علمی و عملی متناسب با هر بخش، جهت اصلاح الگوی مصرف و جلوگیری از اتلاف انرژی، ضرورت دارد. از آن گذشته، هر کالایی که تولید می شود - اعم از محصولات کشاورزی و تولیدات صنعتی - جزء سرمایه‌های ملی کشور است





و به همه مردم تعلق دارد. کسی که اسراف می کند، در واقع به سرمایه‌های کشور لطمه می زند و باعث می شود تا سطح رفاه و آسایش مردم پایین بیاید که در آن صورت فقر و بدبختی را به دنبال خواهد داشت و فقر هم باعث زیاد شدن سرقت، جنایت، اعتیاد و بیماریهای جسمی و روانی می شود؛ بنابراین، اسراف هر چند کوچک باشد به همه مردم ضرر می رساند. دین مقدس اسلام، بهره برداری مشروع از نعمتهای الهی و زیباییهای زندگی را حلال و اسراف را حرام می‌داند و این بدان جهت است که در منطق اسلام؛ هر فرد مسلمان به تناسب امکانات و توانایی و کارایی خود، در برابر جامعه مسئولیت دارد. در این صورت فرد اسرافکار قهرا از اجرای مسؤولیت و تعهدات اجتماعی خود باز می‌ماند و از این رهگذر، بر پیکر جامعه ضربه می‌زند. قرآن مجید این حقیقت را به صورت هشدار به پیروان خود بیان می‌کند: «وَ أَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ»؛<sup>۲۰</sup> در راه خدا انفاق کنید و با دستهای خود، خود را به هلاکت و نابودی نیفکنید. از این آیه شریفه، چنین استفاده می‌شود که اگر مال در راه خدا و به سود جامعه و رفع نیازمندیهای مردم مصرف نشود سرنوشت آن جامعه و ملت به هلاکت و سقوط می‌انجامد.

قرآن کریم در موارد متعدد، شدیداً از این عمل ناپسند نهی فرموده است؛ در جایی گفته: «اسراف نکنید که خداوند مسرفان را دوست ندارد.»<sup>۲۱</sup> در جای دیگر فرموده: «اسراف کننده گان برادران شیطان هستند.»<sup>۲۲</sup> یا فرموده: «خداوند کسی را که اسراف کار و بسیار دروغگو است هدایت نمی‌کند.»<sup>۲۳</sup> از امام صادق 7 روایت شده که می‌فرماید: «ان مع الاسراف قلة البركة»؛<sup>۲۴</sup> با اسراف برکت کم می شود و اسراف برکت را از بین می برد.

### الف- نکوهش و حرمت اسراف

خداوند متعال در ۲۳ مورد از آیات قرآن، مذمت اسراف را ذکر و از آن نهی فرموده است که به جهت رعایت اختصار، چند آیه را می آوریم.

۱- خداوند در سوره غافر می‌فرماید: «وَ أَنْ الْمُسْرِفِينَ هُمْ أَصْحَابُ النَّارِ»؛<sup>۲۵</sup> حقیقتاً که مسرفین اصحاب آتش هستند.

۲- در سوره طه می‌فرماید: «وَكَذَلِكَ نَجْزِي مَنْ أَسْرَفَ وَلَمْ يُؤْمِنْ بِآيَاتِ رَبِّهِ وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَشَدُّ وَأَبْقَى»<sup>۲۶</sup>؛ اینگونه جزا می‌دهیم کسی که اسراف کند، و به آیات پروردگارش ایمان نیاورد. و قطعاً عذاب آخرت شدیدتر و پایدارتر است.

۳- در آیه دیگر از اطاعت مسرفان نهی می‌کند و می‌فرماید: «وَلَا تُطِيعُوا أَمْرَ الْمُسْرِفِينَ»<sup>۲۷</sup>؛ فرمان مسرفان را اطاعت نکنید.

۴- آیه دیگر اسراف را یک برنامه فرعونی می‌داند «وَإِنَّ فِرْعَوْنَ لَعَالٍ فِي الْأَرْضِ وَإِنَّهُ لَمِنَ الْمُسْرِفِينَ»<sup>۲۸</sup> همانا فرعون برتری جویی در زمین داشت و او از اسراف کاران بود.

۵- در سوره انبیا سرنوشت مسرفان را هلاکت و نابودی می‌داند «وَأَهْلَكْنَا الْمُسْرِفِينَ»<sup>۲۹</sup>؛ (مسرفان را هلاک نمودیم). و در سوره اعراف می‌فرماید: «كُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ»<sup>۳۰</sup>؛ بخورید و بیاشامید و اسراف نکنید که خداوند مسرفان را دوست ندارد.

در حرمت اسراف، جای شکی نیست؛ زیرا نهی صریح قرآن (لاتسرفوا) بر حرمت آن دلالت دارد. اگر چه هر یک از این آیات به تنهایی برای اثبات حرمت آن با قطع نظر از روایات، کفایت می‌کند ولی بهتر است که نتیجه آن را از کلام نراقی و مکارم شیرازی بیان کنیم.

مرحوم نراقی می‌نویسد: «حرمة الاسراف مما لا كلام فيه، و يدل عليه الإجماع القطعي، بل الضرورة الدينية، و الآيات الكثيرة، و الأخبار المتعددة»<sup>۳۱</sup>؛ حرمت اسراف یک امر مسلم است و اجماع قطعی بر آن دلالت دارد بلکه حرمت اسراف از ضروریات دین است و آیات زیاد و روایات متعدد بر حرمت آن دلالت دارند.

استاد مکارم شیرازی می‌نویسد: «حرمة الإسراف والتبذير: إن القرآن الكريم نهى عن الاسراف نهياً شديداً، و واجه المسرفين مواجهة عنيفة، فقال: وَ لَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ<sup>۳۲</sup> و قال فى تعبير أشدّ: وَ أَنَّ الْمُسْرِفِينَ هُمْ أَصْحَابُ النَّارِ»<sup>۳۳</sup>؛ در حرمت اسراف و تبذیر قرآن کریم نهی شدیدی فرموده و مسرفان را دشمن خداوند شمرده است و فرموده اسراف نکنید که خداوند مسرفان را دوست ندارد و در تعبیر شدیدتر فرموده مسرفان اصحاب آتش هستند.<sup>۳۴</sup>



بنابراین، در حرمت اسراف جای هیچ گونه شکمی وجود ندارد و آیات قرآن کریم، روایات و اجماع قطعی -چنانکه مرحوم نراقی اشاره فرموده- بر حرمت آن دلالت دارد. شهید دستغیب می‌گوید: «در واقع اسراف و تبذیر نوعی حریم شکنی و عصیان در برابر امر پروردگار است و از گناهان کبیره محسوب می‌شود.»<sup>۳۵</sup>

### ب: معیار اسراف

امام صادق 7 در مورد اسراف در ذیل آیه شریفه «كُلُوا وَ اشْرَبُوا...»<sup>۳۶</sup> می‌فرماید: «که مال و ثروت از آن پروردگار است که آن را در نزد مردم به امانت گذاشته است و به آنها اجازه فرموده که در حد اعتدال و میانه روی بخورند، بیاشامند و لباس بپوشند، نکاح کنند، مرکب سواری داشته باشند و مازاد آن را به فقرا بیخشند و بدین وسیله اختلافات طبقاتی را از بین ببرند و پراکنده‌گیها را ترمیم کنند و کسی که این‌گونه عمل می‌کند، آنچه را که می‌خورد و می‌آشامد، اعمالش مباح است و نکاح او و استفاده از مرکوبش نیز حلال می‌باشد «وَمَنْ عَدَا ذَلِكَ كَانَ عَلَيْهِ حَرَامًا ثُمَّ قَالَ: لَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ»<sup>۳۷</sup> کسی که از این حد تجاوز کند بر او حرام است و سپس فرمود: اسراف نکنید که خداوند مسرفان را دوست ندارد.»

از فرمایش امام 7 که می‌فرماید: «وَمَنْ عَدَا ذَلِكَ كَانَ عَلَيْهِ حَرَامًا» حرمت اسراف به وضوح آشکار می‌شود و وقتی از حد متعادل و مشخص که در این حدیث شریف بدان تصریح شده تجاوز شد به حرمت می‌انجامد. در این روایت به حد اعتدال و میانه روی تأکید شده که هر کسی از نعمت‌های الهی به حد اعتدال و میانه روی باید استفاده کند؛ اما از آنجا که حد اعتدال برای افراد به جهت شأن آنها متفاوت است امام صادق 7 در حدیث دیگر آن حد اعتدال را چنین بیان می‌فرماید: «کمترین حد اسراف این است که لباسی را که بیرون خانه برای حفظ آبرو می‌پوشی در داخل خانه نیز بپوشی یا باقیمانده آب و غذا را که در ظرف می‌ماند دور بریزی و یا خرما را خورده و هسته آن را دور اندازی.»<sup>۳۸</sup> (در آن زمان از هسته خرما استفاده میکردند که خوراک شتر بود.) در این روایت به نکته‌های ظریفی اشاره شده که کوچکترین شیء مورد استفاده را هدر ندهیم. اگر جامعه ما به این حد در استفاده از نعمتهای الهی دقت و صرفه جویی نمایند،





مسلماً به پیشرفت و توسعه عظیم اقتصادی و به دنبال آن، پیشرفت سیاسی نایل خواهیم شد. بنا بر این مصرف نعمتهای الهی به حداقل کفایت، مورد تأیید قرآن کریم و معصومین-علیهم السلام- خواهد بود و بیش از حداقل کفایت، مشمول اسراف قرار می‌گیرد، چنانکه از رسانه‌ها می‌شنویم و می‌بینیم که جوامع پیشرفته در استفاده از نعمتها به حداقل کفایت، قناعت دارند و مسلم این مسئله یکی از عوامل پیشرفت آنها بوده است.

در حدیثی دیگر امام صادق <sup>7</sup> می‌فرماید: «کسی که چیزی را در غیر راه خدا انفاق کند، او مبذّر است و کسی که در راه خدا چیزی را انفاق کند او مقتصد است.<sup>۳۹</sup> در اینجا معلوم می‌شود که بذل و بخشش اگر به قصد و نیت الهی نباشد، حکم اسراف را دارد.

### ج- حد اعتدال

با توجه بدانچه گذشت، طرح این پرسش ضرورت دارد که هر کسی چه مقدار حق مصرف دارد که وقتی از آن حد، گذشت مشمول اسراف می‌شود و باید از آن، خود داری نماید قضاوت در مورد مقدار مصرف و مخارج زندگی با عرف و افراد اجتماع است. هر کس براساس دستورات اسلام، موظف است زندگی خویش را طبق شأن و موقعیتی که در اجتماع دارد تنظیم کند<sup>۴۰</sup> البته این با معنای مساوات اسلامی منافاتی ندارد، زیرا این تفاوت براساس شهرت، استعداد، میزان تلاش، فعالیت هر کس متفاوت است؛ مثلاً در باب خمس داریم که افراد در مورد منافع کسب، باید مخارج سالانه خود را طبق شأن تأمین کنند و آنچه از این معیار اضافه باشد مشمول خمس می‌شود<sup>۴۱</sup> یا در باب زکات شرط است: نیازمندی می‌توانند آن را دریافت نمایند که هزینه لباس، غذا و سایر مخارج ضروری زندگی آنان طبق شأن آنان تأمین گردد تا هم سطح سایر افراد قرار گیرند.<sup>۴۲</sup>

در مورد نفقه زن - که بر عهده شوهر است - معیار چنین است که مرد خوراک و پوشاک زن را در حد شایسته و شرافتمندانه که در خور شأن و موقعیت اجتماعی اوست تأمین نماید در این زمینه قرآن مجید می‌فرماید: «و علی المولود له رزقهن و کسوتهن بالمعروف لا تکلف نفس الا وسعها»<sup>۴۳</sup> بر آن کسی که فرزند برای او متولد شده (پدر) لازم است خوراک و پوشاک مادر را به طور شایسته و (در خور شأن و موقعیت اجتماعی او) در مدت شیردهی بپردازد هیچ کس مؤظف به بیش از مقدار توانایی خود نیست. توصیف به «معروف» (به طور شایسته)



۱۶۳

فبیر

اسراف، عوامل و راهکارهای مبارزه با آن

نشان می‌دهد که پدران در مورد لباس و غذای مادر، باید آنچه را که شایسته، متعارف و مناسب حال او است در نظر بگیرند، نه سختگیری کنند و نه اسراف.<sup>۴۴</sup>

می‌بینیم آن قسمت از مخارج و هزینه‌هایی که با موقعیت اجتماعی و شئون زندگی انسان موافق و سازگار است اقتصاد و تقدیر معیشت است و آنچه از این حد و مقدار تجاوز کند، اسراف و زیاده روی است. لازم به ذکر است که شاید نتوان معیار و مقدار معینی برای اسراف در نظر گرفت؛ اسراف مفهومی است که در افراد مختلف، اوضاع گوناگون و اجتماعات مختلف مصادیق متفاوت و مختلفی می‌یابد، مثلاً ممکن است پوشیدن لباس و یا خوردن غذایی خاص در شرایطی که در جامعه نیازمند و محتاج وجود ندارد اسراف نباشد، ولی همان پوشاک و خوراک در جامعه‌ای فقیر و یا زمانی خاص، زیاده روی و اسراف محسوب شود و این خود توجه دادن ثروتمندان به این نکته است مسائل مهم‌تر را در نظر بگیرند و احساس مسئولیت کنند و بدانند که همگان در پیشگاه ایزد متعال در برابر جامعه خود مسئولند؛ غنی باید در فکر فقیر و رفع نیازهای او باشد که در آموزه‌های اسلام بر این مسئله تأکید فراوان شده است از باب نمونه، علاوه بر آیات شریفه قرآنی که وارد شده است به این کلام مشهور حضرت رسول ﷺ اکتفا می‌شود که فرمود: «من اصبح و لا یهتم بامور المسلمین فلیس بمسلم».<sup>۴۵</sup> پس باید غنی به فکر فقیر و در راه رفع نیازمندیهای او باشد و افراد کم درآمد در مرز خود حرکت کنند تا اختلاف طبقاتی از میان برود یا دست کم به پایین‌ترین حد خود برسد و اصول اخوت اسلامی در جامعه رشد کند.

#### د- لزوم رعایت اعتدال یا صراط مستقیم

در جامعه اسلامی براساس نگرش خاص اسلام، باید تمام حرکتها و روشها در کلیه شئون زندگی در مسیری قرار گیرد که در اصطلاح خاص مکتبی از آن به «صراط مستقیم»، «طریقه وسطی»، یا «راه میانه» تعبیر می‌شود. صراط مستقیم، راهی است که خداوند متعال برای انسان در نظر گرفته و از این راه است که انسان می‌تواند به کمال خود برسد راهروان صراط مستقیم به هر طرف بلغزند -خواه چپ یا راست- به جانب افراط یا تفریط، به سوی اسراف و تبذیر یا بخل، امساک و تقتیر، در هر حال گمراهی، انحراف و شقاوت است. حضرت علی 7 می‌فرماید: «الیمین والشمال مضلة والطریق الوسطی هی الجادة»<sup>۴۶</sup> راست و چپ گمراهی است و راه راست جاده‌ای است غیرقابل انحراف.



بنابراین، روشن است که اسراف و تبذیر و بخل و تقتیر در صراط مستقیم و مکتب اسلام جایی ندارد و خروج از راه تعادل است، ولخرجی و ریخت و پاشهای متکبرانه انحراف به سمت راست بوده و بخل و تقتیر و امساک، سقوط در جهت چپ می‌باشد.

لذا می‌بینیم که قرآن کریم چگونه دوطرف را مذمت می‌کند؛ در مورد افراط می‌فرماید: «خداوند مسرفین را دوست نمی‌دارد»<sup>۴۷</sup> مسرفین قابل هدایت نبوده و بسیار دروغگویند»<sup>۴۸</sup> یا «اهل هلاکت و گمراهی‌اند و نجات ندارند»<sup>۴۹</sup> «اهل تردید و شک و ربیند»<sup>۵۰</sup> «اهل آتشند»<sup>۵۱</sup> و «قابل پیروی نیستند»<sup>۵۲</sup>

در مورد تفریط نیز می‌فرماید: «الَّذِينَ يَبْخُلُونَ وَيَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبُخْلِ وَيَكْتُمُونَ مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ»<sup>۵۳</sup> آنان که بخل می‌ورزند و مردم را به بخل وا می‌دارند و آنچه خدا از فضل خود به آنان بخشیده کتمان می‌کنند، به کیفر خود خواهند رسید.

در سوره اعراف در یک جمله به اعتدال و افراط اشاره نموده می‌فرماید: «كُلُوا وَاشْرَبُوا وَ لَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ»<sup>۵۴</sup> بخورید و بیاشامید ولی اسراف نکنید که خداوند مسرفان را دوست نمی‌دارد. انسان طبع زیاده طلب دارد ممکن است از دستور خداوند (کلوا و اشربوا) سوء استفاده کند و به جای استفاده عاقلانه و معتدل، راه اسراف را پیش گیرد؛ بدین جهت خداوند بلافاصله اضافه می‌کند: «و لا تسرفوا». کسانی که این دستور خدا را ساده فکر می‌کنند خوب است در زندگی خود بیازمایند، و معجزه رعایت عدم اسراف را در سلامت جسم خود ببینند. کلمه «اسراف» کلمه بسیار جامعی است که هر گونه زیاده روی در کمیت و کیفیت و بیهوده گرایی، اتلاف و مانند آن را شامل می‌شود و این روش قرآن است که به هنگام تشویق به استفاده کردن از مواهب آفرینش، فوراً جلو سوء استفاده را گرفته و به اعتدال توصیه می‌کند.<sup>۵۵</sup>

مرحوم طبرسی در مجمع البیان ذیل آیه فوق داستان جالبی نقل می‌کند: هارون طبیب مسیحی داشت که مهارت او در طب، مشهور بود. روزی این طبیب به یکی از دانشمندان اسلامی گفت: من در کتاب آسمانی شما چیزی از علم طب نمی‌یابم در حالی که دانش مفید بر دو گونه است علم ادیان و علم ابدان، او در پاسخ چنین گفت: خداوند همه دستورات طبی را در نصف آیه آورده: «کلوا و اشربوا و لا تسرفوا» پیامبر ﷺ ما نیز تمام علم طب را در این



دستور خویش خلاصه کرده: «المعدة بيت الادواء و الحمية رأس كل دواء و أعط كل بدن ما عودته»؛ معده خانه بیماریهاست و پرهیز، سرآمد همه داروهاست برای هر بدن به مقدار نیازش غذا بدهید. طیب مسیحی وقتی این سخن را شنید، گفت: «ما ترک کتابکم و لا نبیکم لجالینوس طبا». کتاب شما و پیامبر شما از پزشکی چیزی کم ندارند و برای جالینوس<sup>۵۶</sup> جایی باقی نگذاشته اند.»<sup>۵۷</sup>

پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «برادرم حضرت عیسی 7 در بیابان مردی را دید، که با زنی گفت و گو دارد و زن فریاد می زند حضرت عیسی 7 نزد آنان رفت و از احوال آنان پرسید، مرد گفت: این، زن من است و زن صالحه و خوبی است ولی من می خواهم او را طلاق دهم چون در سن جوانی صورتش چروک برداشته و پیر شده، حضرت عیسی به زن فرمود اگر می خواهی از این مرض رهایی یابی و چروک صورتت مرتفع شود بعد از این پیش از آن که از غذا سیر شوی دست بکش و در غذا خوردن زیاده روی نکن.»<sup>۵۸</sup>

نه چندان بخور کز دهانت برآید \*\*\* نه چندان که از ضعف جانت درآید  
در قابوس نامه، نوشته «عنصر المعالی کیکاووس بن اسکندر» متنی دارد که شیوه نثر آن، سبک قرن پنجم هجری است، قطعه از آن را می آوریم:

اسراف در جمله کارها مذموم است، از آنچه اسراف تن را بکاهد و نفس را برنجاند و عقل را برماند و زنده را بمیراند. نبینی که زندگانی چراغ، از روغن است؛ اما اگر بی حد و اندازه روغن اندر چراغ دان افکنی، چنانکه از نوک چراغ دان، بیرون آید و بر سر فتیله بیرون گزرَد، بی شک چراغ بمیرد، همان روغن، که از اعتدال سبب حیات او بود، از اسراف سبب ممات او بود. سپس معلوم شد که تنها نه از روغن زنده بود، بلکه از اعتدال روغن زنده بود، و چون اعتدال بگذرد، اسراف پدید آید، هم بدان روغن - که زنده بدان بود - بمیرد. و خدای - عزوجل - اسراف را بدین سبب دشمن دارد و حکما اسراف کردن در هیچ کار را نپسندیده اند، که عاقبت مسرف، همه زیان است، اما زندگانی خویش نیز تنگ مدار و در روزی بر تن خویش میند و آن چه در بایست بود تقصیر مکن، بر خویشتن، هزینه کن که چیز را اگر چه عزیز است، آخر از جان عزیز تر نیست.<sup>۵۹</sup>



در اسلام، همیشه حد اعتدال و میانه روی ستوده شده، و همانطور که افراط در کارها مذمت شده تفریط، بخل و تنگ نظری نیز در اسلام مذموم و مطرود است. به قول سعدی:  
گفت چشم تنگ دنیا دار را \*\*\* یا قناعت پر کند یا خاک گور

### بخش سوم: آثار و پیامد های اسراف

بر اساس آیات قرآن و روایات، اسراف، دارای زیانهای گوناگون فردی، اجتماعی، مادی و معنوی است که به گوشه از آنها اشاره می شود.

#### الف- زیانهای فردی

اسرافکار، علاوه بر زیانهای اقتصادی که بر جامعه و ملت تحمیل می کند، برای خود نیز زیانهای جبران ناپذیری به بار می آورد که امور زیر از آن جمله اند.

۱- خشم الهی؛ اسرافکار چون تعادل و توازن اقتصادی جامعه را برهم می زند، از رحمت خداوند دور شده و گرفتار خشم خدا می شود، همان گونه که در قرآن مجید آمده است: «انه لا یحب المرفین»<sup>۶۰</sup> خداوند اسرافکاران را دوست نمی دارد و امام صادق 7 فرمود: «ان السرف امر بیغضه الله»<sup>۶۱</sup> اسراف مورد غضب خداست.

۲- محرومیت از هدایت؛ خدای متعال که همواره درهای رحمتش بر بندگان گشوده است و خود را «غافر الذنب و قابل التوب»<sup>۶۲</sup> معرفی کرده است، نسبت به اسرافکاران می فرماید: «ان الله لا یهدی من هو مسرف کذاب»<sup>۶۳</sup> همانا خداوند کسی را که اسرافکار و دروغگو است هدایت نمی کند. نه تنها هدایت نمی کند، بلکه او را گمراه می سازد: «کذلک یضل الله من هو مسرف مرتاب»<sup>۶۴</sup> این گونه خداوند هر اسراف کار تردیدکننده ای را گمراه می سازد.

۳- فقر؛ از روشن ترین زیانهای اسراف فقر است و مسرفان سرانجام بدست فقر و تهیدستی خواهد افتاد و بر عکس، میانه روی و بیهوده صرف نکردن ثروت ها باعث عزت و سربلندی و رشد اقتصادی خواهد شد. پیامبر اکرم 9 می فرماید: «با رعایت اقتصاد و میانه روی هیچ فردی فقیر نخواهد شد».<sup>۶۵</sup> و نیز امام صادق 7 می فرماید: هر کس در زندگی خود میانه روی کند من ضمانت می کنم که هرگز فقیر نشود.<sup>۶۶</sup> حضرت علی 7 می فرماید:



۱۶۷

فقیه

اسراف، عوامل و راهکارهای مبارزه با آن

«القصء مثرأة و السرف مثرأة»<sup>۶۷</sup> اقتصاد و میانه روی باعث توانگری و اسراف و ولخرجی مایه فقر و تنگدستی است. و باز فرمود: «سبب الفقر اسراف»<sup>۶۸</sup>؛ ولخرجی عامل فقر است.

۴- هلاکت؛ اسراف از هر نوعی که باشد، انسان را به نابودی می‌کشاند. قرآن مجید این حقیقت را چنین بیان می‌فرماید: «ما به وعده‌هایی که به انبیاء و اولیا دادیم وفا کردیم و سپس آنها را با هر که اراده کردیم نجات دادیم؛ اما مسرفان و ستمگران را هلاک نمودیم»<sup>۶۹</sup> و حضرت علی 7 می‌فرماید: «کثرة السرف تدمر»<sup>۷۰</sup> اسرافکاری زیاد انسان را به هلاکت می‌کشاند.

۵- پنجم کیفر اخروی. کیفر کسانی که از حدود الهی تجاوز کرده و اوامر و نواهی خدا را نادیده گرفته باشند، تنها فقر و تنگدستی در دنیا نیست؛ بلکه عذاب اخروی نیز در انتظار آنان است. قرآن مجید می‌فرماید: «کذلک نجزی من اسرف و لم یؤمن بآیات ربه و لعذاب الآخرة اشد و ابقی»<sup>۷۱</sup> این چنین جزا می‌دهیم کسی را که اسراف کند و ایمان به آیات پروردگارش نیاورد، عذاب آخرت شدیدتر و پایدارتر است و در جای دیگر می‌فرماید: وان المسرفین هم اصحاب النار<sup>۷۲</sup> به راستی که مسرفان اهل دوزخند.

به این ترتیب، معلوم است که وضع افرادی که در مسیر باطل و هرزگیها دچار اسراف می‌شوند چه خواهد بود.

### ب: زیانهای اجتماعی

۱- غفلت از خدا و حق ناشناسی؛ وجدان هر انسان سالم و عاقل حکم می‌کند که در برابر هر احسانی باید تشکر کنیم در مقابل هر نیکی، حق شناس و سپاسگزار باشیم، از احسان و نیکی پدر و مادر، استاد و معلم تا خالق مهربان. در قرآن کریم بیش از ۸۰ مورد از شکر گزاران تجلیل نموده و به شکر گذاری فرمان داده است «و اشکروا لله»<sup>۷۳</sup> لئن شکرتم لأزیدنکم و لئن کفرتم ان عذابی لشدید»<sup>۷۴</sup> اگر شکر نعمت را بجا آورید، فزونی دهیم و اگر کفران نعمت کنید مجازاتم شدید است. تشکر از خداوند در مقابل نعمتهای او اجرای دستورات سعادت بخش اوست و اینکه نعمتهای او را بجا و به اندازه مصرف کنیم و از اسراف آن بپرهیزیم.



۲- تزلزل و سستی؛ انسانهای معتدل در فراز و نشیبهای زندگی هرگز نمی‌لغزند ولی افراد اسرافکار - که ولخرجی و مصرف زدگی تمام ابعاد زندگیشان را فراگرفته چون روحیه مقاومت ندارند- شکست‌خورده و متزلزل خواهند بود.

۳- احتیاج به دیگران؛ جامعه پرمصرف در نهایت برای تأمین مایحتاج خود به بیگانه روی می‌آورد و تمام دارایی خود را باید صرف واردات، کند تا نیازمندیهای خود را تأمین کند.

۴- سقوط مسرف از درجه اخلاق اسلامی؛ زندگی اسراف‌گرایانه روح عاطفی و انسانی را از بین می‌برد و انسان را از درد و سوز دیگران بی‌خبر می‌سازد، ولخرجی و ریخت و پاشهای نابجا، انسان را در مسیر عیاشی قرار می‌دهد و اسراف کار برای اینکه بتواند مخارج بیش از حد خود را تأمین کند، بناچار به کارهای خلاف دین و قانون روی آورد؛ مثل آنکه رشوه بگیرد، دزدی کند و گاهی به مرحله می‌رسد که به هر ذلت و پستی تن می‌دهد؛ همانطور که در قرآن می‌فرماید: «مصرفان برادران شیطان اند.»<sup>۷۵</sup>

۵- ضعف ایمان؛ ایمان و اعتقاد به خدا، همانند نیرویی است که از درون، انسان را به راه های خیر و سعادت رهنمون گشته و به افکار و اعمال او ارزش و جهت می‌بخشد و چون بین ایمان و عمل رابطه مستقیم وجود دارد هر اندازه که مسلمان اعمال شایسته انجام دهد، قدرت ایمانش بیشتر می‌شود و بالعکس، اگر انسان از راه اعتدال خارج و کردارش مخالف اعتقاد وی شود ایمانش ضعیف می‌گردد.

۶- اختلاف طبقاتی؛ یکی از علل اساسی اختلاف طبقاتی به طور قطع همین اسرافکاریها است. از نتایج مسلم ولخرجیها و بی‌بندوباریها، تضییع حقوق دیگران است که موجب دغدغه خاطر و گرفتاریهای روحی و بیماریهای جسمی و روانی و اختلاف طبقاتی در جامعه می‌شود.

۷- کم رنگ شدن ارزشهای اجتماعی و آموزه‌های دینی و معنوی؛ یکی دیگر از پیامدهای مصرف‌گرایی تأثیرات منفی در فضای معنوی جامعه است؛ چرا که در بسیاری از مواقع، مصرف‌گرایی باعث رواج خود خواهی، رشد روحیه فرد گرایی و نادیده انگاشتن بسیاری از اصول اجتماعی و اخلاقی می‌شود. چنین جامعه مصرف زده ای داوطلبانه برای رفع نیازهای مصرفی خویش همه زندگی معنوی خود را در جهت رفع نیاز پدید آمده به فراموشی می‌سپارد.



۱۶۹

صفر

اسراف، عوامل و راهکارهای مبارزه با آن

۸- فساد اجتماعی؛ از دیدگاه قرآن یکی از آثار پیامدهای اسراف، فساد در زمین است؛ زیرا هرگونه تجاوز از حد، موجب فساد و از هم گسیختگی می شود. قرآن کریم می فرماید: «فاتقوا الله وأطيعون ولا تطيعوا امرالمسرفین الذین یفسدون فی الارض ولا یصلحون.»<sup>۷۶</sup> پس از خدا بترسید و مرا اطاعت کنید و فرمان مسرفان را اطاعت نکنید، آنان که در زمین فساد می کنند و اصلاح نمی کنند.

۹- افزایش واردات؛ اشاعه فرهنگ مصرف گرایی، باعث افزایش تجمل گرایی و نیازهای غیرضروری در جامعه می شود و همین امر نیز باعث سیل ورود کالاهای خارجی می شود و افزایش واردات، موجب تضعیف تولید کنندگان داخلی می گردد.

۱۰- کاهش گرایش به سرمایه گذاریهای زیرساختی. در جامعه که مصرف گرایی به یک فرهنگ، تبدیل شده باشد، افراد جامعه، دیگر میلی به سرمایه گذاری در بخش های عمرانی و زیرساختی جامعه - که زمان بر می باشد- ندارند و همه، به دنبال سرمایه گذاری در خرید و فروش کالاهای پرمصرف و فعالیت های زود بازده می باشند، به همین دلیل مصرف گرایی باعث کاهش گرایش به سرمایه گذاریهای زیرساختی و عمرانی در جامعه خواهد شد.

### بخش چهارم: عوامل اسراف

اسراف عوامل زیادی دارد و مهم ترین آنها، عبارتند از:

۱- چهل و نادانی؛ اگر انسان بداند که در اسراف حقوق دیگران ضایع می شود و موجب فقر و ضعف ایمان و... می شود، هرگز این کار را نخواهد کرد. همچنین اگر بداند که اسراف، از گناهان کبیره و انجام آن حرام است<sup>۷۷</sup> هرگز مرتکب آن نخواهد شد.

۲- ضعف ایمان و بی مبالاتی در دستور های دینی؛ انسان مؤمن همانطور که سایر دستورات دینی را انجام می دهد و از محرمات دوری می کند از اسراف کردن نیز پرهیز خواهد کرد؛ اما کسی که اسراف می کند اگر حرمت آن را میدانند و اسراف می کند دچار ضعف ایمان است.

۳- تربیت غلط؛ رفتارهای انسانها نتیجه معاشرتهای اجتماعی آنان است که در طول زندگی آموخته اند. حال اگر در خانه و محیط زندگی بزرگترها اسراف کار بودند و شدند، کودکان نیز که در آن محیط پرورش می یابند از والدین و بزرگترها تقلید نموده و زندگی را با



۱۷۰

فیر

سال پنجم / شماره بیستم / زمستان ۹۰



ریخت و پاشهای بی مورد آغاز می‌نمایند، که متأسفانه در جامعه ما عامل اصلی همین است. مولوی گوید:

خلق را تقلید شان بر باد داد \*\*\* ای دو صد لعنت بر این تقلید باد<sup>۷۸</sup>

بنابراین، نقش حیاتی والدین -مخصوصاً زنان- در صرفه جویی، برکسی پوشیده نیست. زنان در خانواده نقش مهم‌تر را در اصلاح الگوی مصرف، ایفا می‌کنند اگر زنان در خرید لوازم منزل و مواد غذایی و مصرف انرژی، صرفه جویی کنند کودکان نیز از مادر تقلید نموده و صرفه جویی در وجود آنها به صورت عادت در آمده و نهادینه می‌شود.

۴- تجمل گرایی و چشم و هم چشمی؛ متأسفانه بعضی از اهل اسراف برای اینکه از دیگران عقب نمانند، اقدام به خرید چیزهایی می‌کنند که لازم ندارند یا سعی می‌کنند با پر زرق و برق کردن زندگی برای خود در بین مردم ارزش و احترام ایجاد کنند.

غرق شدن در مادیات و روی آوردن به تجملات که به حق می‌توان آن را نوعی بیماری مربوط به قرن اخیر نامید، از نمونه های بارز اسراف و از عوامل عمده آن به شمار می‌آید. بسیاری از افراد اگر به اندازه نیاز خود مصرف کنند، جایی برای کمبود و فقر در جامعه باقی نمی‌ماند. با کمی دقت در این مورد، متوجه می‌شویم بسیاری از چیزهایی را که مصرف می‌کنیم و یا تمایل به داشتن آنها را داریم، غیر ضروری بوده و نبود آنها هیچ مشکلی را در زندگی ایجاد نمی‌کند، بدون اسراف هم می‌توان زندگی سالم و درستی داشت، به شرط آنکه ساده زیستن را بر هر چیزی ترجیح دهیم.

در این جهت صدا و سیما، در فرهنگ سازی جامعه نقش اساسی دارد چه در ترویج فرهنگ اسرافگری و چه در اصلاح آن. توده مردم از صدا و سیما تقلید می‌کنند، مخصوصاً بازیگران سریال‌ها و هنرمندان سینما و موسیقی، که الگوی جوانها و توده مردم هستند؛ چون به وضوح مشاهده می‌شود که مردم همان رفتار و دیالوگ های را که در فیلم دیده تکرار می‌کنند، همان مدل لباس که در فیلم مشاهده کرده، آن را به هر زحمتی تهیه نموده و می‌پوشند، همان قیافه و شکل که در هنر مندان، مشاهده نموده و به نظر ایشان جالب رسیده خود را شبیه آن می‌سازند. گاهی متأسفانه برنامه‌های صداوسیما، ترویج اسرافگری و تجمل گرایی است. مثلاً برنامه آشپزی، به آموزش غذاهای می‌پردازد که ۷۰٪ مردم، یا به مواد آن، دسترسی ندارند یا به وسایل آن، مانند: استفاده از مایکروفر و وسایل و ظروف آن چنانی



که اینها در واقع تبلیغ و ترویج تجمل گرایی در ضمن آموزش آشپزی است و همین طور لباسهای مجریان برنامه‌ها و بازیگران فیلمها، که هر روز لباس جدید، غیر از لباس روز قبل می پوشند، و هر ساعتی رنگ عوض می کنند مخصوصاً خانمها که هر روز بلکه گاهی هر ساعت، لباسهای شان از نظر رنگ و مدل تغییر میکنند. مگر اینها ترویج اسراف گرایی و تجمل گرایی نیست! وقتی الگویی جوانان و نو جوانان و کودکان و -حتی- بر خی بزرگسالان این گونه باشد، مقصّر کیست؟! تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل.

در فرهنگ اسلام، کسانی که نقش الگو را دارند، باید معتدل ترین انسانها در مصرف، باشند. رعایت اعتدال در الگوهای مردم، نقش بنیادین در گرایش توده مردم به اصلاح الگوی مصرف دارد. همچنین، اسراف گرایی الگوهای مردم، نقش کلیدی در گرایش مردم به اسراف-گرایی دارد؛ چنانکه در خصوص تاثیر پذیری مردم از الگوها، در روایات، اشاره شده است: «الناس علی دین ملوکهم».<sup>۷۹</sup> «الناسُ بِأَمْرَائِهِمْ أَشْبَهُ مِنْهُمْ بِآبَائِهِمْ»<sup>۸۰</sup> به قول شاعر که گفت:

«اگر ز باغ رعیت ملک خورد سیبی \*\*\* برآوردند غلامان او درخت از جای»

بنابراین، ریشه اسراف و روح فرهنگ اسراف گرایی را باید در رفتار زمامداران و مدیران و هنر مندان سیما که الگوهای مردم هستند جست و جو کرد؛ چنانچه مسئولان، خصوصاً هنرمندان و مجریان صدا و سیما، اگر از انضباط اقتصادی، مالی و اصلاح رفتاری برخوردار نشوند، صدها برنامه دیگر در این مورد، نقشی بر آب است.

چنانکه امیرمؤمنان علی 7 در نامه‌ای که به فرماندار بصره (عثمان بن حنیف)، می-نویسد، اسراف و زیاده روی را از مسئولان حکومتی غیرقابل پذیرش می داند و به شدت از آن نهی میکند: ای پسر حنیف، به من گزارش داده اند که مردی از سرمایه داران بصره، تو را به مهمانی خویش فرا خواند و تو به سرعت به سوی او شتافتی، خوردنی های رنگارنگ برای تو آوردند و کاسه های پر از غذا پی در پی جلوی تو می نهادند، گمان نمی کردم مهمانی مردمی را بپذیری که نیازمندان شان با ستم محروم شده، و ثروتمندان شان بر سفره دعوت شده اند، اندیشه کن در کجایی؟ و بر سر کدام سفره می خوری؟<sup>۸۱</sup>

امام خمینی نیز در این مورد می گوید: حتی مطبوعات باید این را توجه داشته باشند که چیزهایی را که برای ملت مفید نیست در روزنامه‌ها ننویسند کاغذ صرف این نکنند، وقت، صرف آن نکنند، باید رادیو تلویزیون توجه به این معنا داشته باشد که این بیت المال مسلمین



است. وقتش صرف چیزهایی که مربوط به مصالح مسلمین است شود، مسئولیت دارد، اشخاص و مقامات، ملاحظه کنند که به اندازه ضرورت مشاور بگیرند به اندازه ضرورت خدمتگزار بگیرند نه به اندازه دلخواه و این معنا را باید همه ما بدانیم که دلخواه های ما آخر ندارد.<sup>۸۲</sup>

قرآن کریم می‌فرماید: وقتی مسئولان و انسانهای مافوق، اسرافکار و تجمل‌گرا شد در نتیجه توده مردم هم از آنها پیروی می‌کنند، آن وقت، هلاکت و نابودی آن جامعه فرا می‌رسد «وَ إِذَا أَرَدْنَا أَنْ نُهْلِكَ قَرْيَةً أَمَرْنَا مُتْرَفِيهَا فَفَسَقُوا فِيهَا فَحَقَّ عَلَيْهَا الْقَوْلُ فَدَمَّرْنَاَهَا تَدْمِيرًا.»<sup>۸۳</sup> آنگاه که بخواهیم اجتماعی را هلاک سازیم، افراد متنعم، تن پرور و اسرافکار آنها را مأمور و مسئول قرار می‌دهیم (یعنی آن طبقه زمام کارها را به دست می‌گیرد و سررشته دار کارها میشوند) و آنها به فسق، فجور، شهوترانی و خوشگذرانی می‌پردازند و سخن ما در باره آنها راست می‌آید و ما آنها را هلاک می‌کنیم.<sup>۸۴</sup>

۵- تهاجم فرهنگی؛ تهاجم فرهنگی، ابعاد گوناگون اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، نظامی و روانی را در بر می‌گیرد و رفتارهای مختلف انسانهای مورد تهاجم را تغییر می‌دهد که ایجاد جامعه مصرف‌گرا و ظهور گرایشهای تجملی از آثار آن می‌باشد. در همین راستا امام خمینی فرموده‌است: «اکنون بازارهای کشورهای اسلامی، مراکز رقابت کالاهای غرب شده است و سیل کالاهای تزئینی مبتذل، اسباب بازیها، اجناس مصرفی به سوی آن‌ها سرازیر است و همه ملت‌ها را آن چنان مصرفی بار آورده اند که گمان می‌کنند: بدون این اجناس آمریکایی و اروپایی و ژاپنی و دیگر کشورها زندگی نمی‌توان کرد.»<sup>۸۵</sup>

اکنون در شرایطی قرار داریم که در جامعه استفاده از کالای خارجی یک ارزش تلقی می‌شود و تولیدات داخلی ضد ارزش به حساب می‌آید در چنین شرایطی اصلاح الگوی مصرف، تأثیر به‌سزایی در خنثی‌سازی تهاجم فرهنگی دشمن دارد؛ از این رو، رهبر فرزانه انقلاب حضرت آیه الله العظمی امام خامنه‌ای (دام‌ظله) با آگاهی دقیق و روشن بینی خاص خویش، اصلاح الگوی مصرف، را در سال ۱۳۸۸ مطرح نمودند که این مسئله علاوه بر جلوگیری از هدر رفتن منابع ملی به ضرورت ادامه دفاع در برابر تهاجم فرهنگی غرب نیز اشاره دارد. بنابراین، فرهنگ‌سازی مصرف بهینه و اصلاح همه الگوهای مصرفی از ضروریات اجتناب ناپذیر می‌باشد.



۶- تبعیض؛ اسراف، برآیند تبعیضها در جامعه است. تبعیض‌ها، روح یک عده را که محروم شده‌اند، فشرده، آزرده و کینه جو و انتقام‌گرا می‌سازد و روح عده دیگر را که بدون جهت به صورت عزیز در آمده‌اند، کم حوصله، بی‌کاره، اسراف‌گرا و اهل تذبذب می‌کند. در میان یک طبقه، حسد و کینه، انتقام، نفرت و دشمنی و در طبقه دیگر، کم حوصلگی نسبت به کار، استقامت نداشتن، اسراف و تذبذب پیدا می‌شود.<sup>۸۶</sup>

۷- نداشتن آرمان؛ اشرافی‌گری، نتیجه نداشتن آرمان است. چنانکه مقام معظم رهبری در این مورد می‌گوید: «حقیقت قضیه این است که زندگی انسان، وقتی معنی پیدا می‌کند که این زندگی در راه یک هدف مقدس مصرف شود. زندگی‌ای که هدفی مقدس و الهی را دنبال نمی‌کند و این حیات و سرمایه، در همین مدت کوتاه که در دست ماست صرف این می‌شود که به ما خوش بگذرد، زندگی ضایع شده‌ای است.

بنده یک وقت مثال می‌زدم که در این‌گونه حیاتها و تلاشها، انسان زندگی می‌کند تا بخورد، تا با آن خوردن، باز زندگی کند که آن زندگی هم هدفش چیزی جز خوردن نیست! البته خوردن به عنوان یک رمز و به عنوان یک سمبل گفته می‌شود. چیزهای دیگری هم از اهداف مادی هست که مثل خوردن است.

خوشگذرانی کردن، آقایی کردن، فرمانروایی کردن، کبر ورزیدن و ناز فروختن، امر و نهی کردن و در جای بالاتر نشستن؛ که باید به خدا پناه ببریم از اینکه دل ما بسته به اینها شود. در مثلی دیگر به آن می‌ماند که اتومبیلی را به پمپ بنزین ببریم؛ باک آن را از بنزین پر کنیم و اتومبیل را به راه بیندازیم و هدفمان این باشد که به پمپ بنزین بعدی برسیم که در آن پمپ بنزین باز مخزن را پر کنیم تا حرکت و طی طریق کند و به پمپ بنزین بعدی برسد! خلاصه، همه دوران این اتومبیل به این بگذرد که از این محل پمپ، به آن محل پمپ برود، برای راه افتادن و برای رسیدن به یک پمپ بنزین دیگر؛ بدون این‌که با آن طی طریقی کنیم؛ بدون اینکه با آن، هدفی را وجهه‌ی همت سازیم؛ بدون اینکه با آن بخواهیم از بیابان خطرناکی عبور کنیم و بدون اینکه با آن بخواهیم به کسی خدمتی کنیم.<sup>۸۷</sup>

۸- وجود ثروت‌های کلان در دست عده‌ای خاص. غالباً وجود ثروت‌های کلان در دست عده‌ای خاص بدون در نظر گرفتن شایستگی و لیاقت لازم در آنان -موجب می‌شود که ثروتها بر اساس نیاز افراد و نعمتهای خداوند و سرمایه‌های ملی کشور در راه درست و بهینه استفاده



نشود و جامعه به جای پیشرفت به سمت اهداف بلند اقتصادی، به سوی مصرف‌گرایی، تجمل و سرگرمی‌های جاهلانه کشیده شود.<sup>۸۸</sup>

### بخش پنجم: راهکارهای مبارزه با اسراف

۱- طراحی و سازکار؛ یکی از پیش نیازهای اصلی در مسیر اصلاح الگوی مصرف، ترسیم اهداف، ابعاد و راهکارهای رسیدن به موضوع و تعیین شاخص‌هایی برای سنجش و ارزیابی روند و چگونگی پیشرفت امور است. باید برای جلوگیری از مصرف‌گرایی، اتلاف منابع، فرصت‌ها و هزینه‌ها در تمامی حوزه‌ها، سند و نقشه راهبردی تهیه و ابلاغ شود، که تهیه آن، وظیفه مجلس باکمک حوزه و دانشگاه است. یعنی با تهیه این سند، مدیران و مسئولان سازمانهای مختلف می‌توانند با اجرا و به‌کارگیری روشها و شیوه‌های مدون، خود را در مسیر تحقق این اصل مهم قرار دهند.

۲- فرهنگ سازی؛ یکی دیگر از پیش نیازهای اساسی برای رسیدن به نتیجه مطلوب، زمینه سازی ذهنی و فرهنگی برای اقشار مختلف جامعه است. جلب مشارکت مردم و افزایش آگاهی‌های آنان نسبت به مصرف صحیح امکانات و منابع از راهکارهای اساسی در مسیر اصلاح الگوی مصرف می‌باشد.

در واقع، لازمه دستیابی به این مهم در کشور، خیزش و حرکتی عمیق از سوی مسئولان و همه آحاد جامعه می‌باشد؛ پس می‌بایست همه این اصل را یک ضرورت دانسته و فعالیت‌های خود را در راستای رسیدن به این اصل مهم برنامه‌ریزی نمایند. بدون ایجاد فرهنگ این کار و طراحی و تامین بایسته‌های آن، به‌طور قطع راه به جایی نخواهیم برد. چرا که اصلاح الگوهای مصرف در کشور، یک شب، به‌طور ناگهانی و با صدور یک دستورالعمل و بخش‌نامه، عملی نمی‌شود. بنابراین، فرهنگ سازی پایدار، بستر اصلی نهضت اصلاح الگوی مصرف می‌باشد.

۳- مدیریت قوی؛ داشتن مدیریت مدبرانه و عاقلانه، یکی دیگر از ضروریات اولیه این امر به حساب می‌آید. مسئولان و متولیان امر، با پرهیز از شعار زدگی، نباید به برگزاری چند همایش، سخنرانی و چاپ مقاله و کارهایی از این قبیل، که در سال ۱۳۸۸ انجام دادند، اکتفا کنند؛ بلکه مدیریت صحیح و عاقلانه در سطح کلان، جهت هدایت و تدوین و انتخاب یک استراتژی راهبردی، طبق نقشه راهی که مقام معظم رهبری ترسیم نمودند، داشته باشند.



۴- گنجاندن اصلاح الگوی مصرف در نظام آموزشی کشور به گونه ای که هرچه سطح آموزش بالاتر رود، اطلاع و شناخت بیشتری در خصوص درک و ضرورت اصلاح الگوی مصرف در جامعه حاصل شود.

۵- گنجاندن برنامه اصلاح الگوی مصرف در برنامه توسعه کشور و مصوبه های دولت. یعنی حرکت همه دستگاه های دولتی به طور مستمر و پایدار در جهت تحقق منویات مقام معظم رهبری باشد.

۶- نظارت همگانی؛ امر به معروف و نهی از منکر، تبلیغات و تذکرات و ارائه الگوی صحیح مصرف و سرانجام، برخورد عملی و قانونی قاطعانه با اسرافکاران، می تواند کارساز باشد و از این همه اسراف و ریخت و پاش جلوگیری کند؛ به عنوان مثال، یک نفر حاجی از مکه برگشته و خانواده و دوستان او، (طبق گزارش که از اخبار سراسری تلویزیون در تاریخ ۱۳۸۸/۹/۱۸ پخش شد) بیش از صد قطعه تابلوی خیر مقدم در کوچه و خیابان، دور منزل حاجی، نصب کرده اند، هر تابلو با چندین متر طول. آیا اینها از متدینان نیستند! اگر نیستند، چرا به حج رفتند؟ یا اینکه از حرمت اسراف آگاهی ندارند؟! به هر صورت حد اقل برخورد عملی این است که یک خبر نگار وقتی از اصلاح الگوی مصرف گزارش تهیه می کند بتواند اسامی خانواده های مسرفان را آزادانه پخش کند.

۷- قناعت؛ از مهم ترین راه های مبارزه با اسراف توجه دادن مردم به قناعت است. قناعت به این معنی نیست که مصرف نکنیم یا نسبت به خود و خانواده در هزینه های ضروری و لازم سخت بگیریم یا از امکانات و لوازم خوب استفاده نکنیم؛ بلکه قناعت و میانه روی به این معنی است که از هر چیز به اندازه و بجا استفاده کنیم و نعمتهای خداوند را به هدر ندهیم.

مثلا در غذا خوردن به اندازه که بدن ما نیاز دارد بخوریم در پوشیدن لباس و مصرف آب، برق، سوخت و... تعادل و میانه روی را مراعات کنیم و به مقدار کفایت از نعمت های خداوند بهره ببریم. قناعت ضد حرص و طمع است؛ کسی که پیوسته حرص می ورزد، تا مال بیشتر بدست آورد و یا بیشتر مصرف کند هرگز آرامش ندارد و احساس بی نیازی نمی کند. بنابراین اگر کسی به آنچه خداوند روزی او قرار داده است، قانع باشد غنی ترین مردم است. شاعر گوید:



قناعت، سرافازد ای مرد هوش! \*\*\* سریر طمع بر نیاید ز دوش  
کاسه چشم حریصان پُر نشد \*\*\* تا صدف قانع نشد پُر دُر نشد.

۸- توجه دادن مردم به زیانهای اقتصادی، اخلاقی، فردی و اجتماعی و کیفیهای اخروی اسراف؛ تغییر در فرهنگ مصرف کنونی و ضدارزش نشان دادن مصرف گرایی براساس آموزه‌های دینی و ارزشهای عقلایی و توسعه کشور، نمود می‌یابد.

۹- محدودیت روابط با اهل اسراف؛ توجه دادن مردم به اینکه از مسرفان، فاصله گرفته و رفت و آمد خود را با آنها محدود کنند، یکی از راهکارهای مهم دیگر است. شاعر می‌گوید:

منشین با بدان که صحبت بد \*\*\* گرچه پاکی تو را پلید کند  
پسر نوح با بدان بنشست \*\*\* خاندان نبوتش گم شد  
سگ اصحاب کهف روزی \*\*\* پی نیکان گرفت مردم شد

۱۰- از راه های مبارزه با اسراف، توجه دادن مردم به نقش ثروت در گسترش مکتب اسلام است. این رسالت عموم ملت های اسلامی است که با اصلاح مصرف و توسعه کشورشان، در گسترش مکتب اسلام سهم بگیرند و ملت مسلمان و فداکار ایران بایستی در این زمینه پیشقدم باشند.

۱۱- توجه دادن مردم به انتخاب الگوهای همیشه زنده و درخشنده در مکتب اسلام و نصب العین قرار دادن زندگی پیامبر ﷺ و ائمه معصومین -علیهم السلام- و حضرت فاطمه -سلام الله علیها- و خدیجه -سلام الله علیها- که آنها چگونه از نعمتهای خداوند استفاده میکردند، نقش مؤثر در اصلاح زندگی مؤمنان دارد.

۱۲- آشنا شدن با تربیت های معنوی اسلام و اینکه اسلام دین تکامل است؛ هر امری که مانع تکامل و پیشرفت بشر در هر زمینه باشد، اسلام آن را ممنوع نموده که اسراف از آن جمله است و اسلام آن را حرام و از گناهان کبیره می‌داند.<sup>۸۹</sup>

۱۳- از بین بردن عوامل اسراف؛

۱۴- ارائه الگوی آموزشی مناسب و اصولی به مردم از طریق سازمان ها و نهادهای ذی ربط، نظیر: سازمانهای آب، برق، گاز و تلفن می‌توانند از طریق آموزش مصرف بهینه در برگه‌های قبوض مصرفی مشترکین به ارائه الگوهای مناسب مصرفی در جهت اصلاح



مصرف اقدام نمایند و هم چنین سایر دستگاهها برطبق فعالیت و تماسی که بامردم دارند در این جهت اقدام نمایند.

۱۵- انتخاب افراد متدین و دلسوز به نظام در رأس امور مالی کشور و نهادهای دولتی که به هر درخواستی تن ندهد و علی گونه از سرمایه های کشور محافظت نماید، از جمله راهکارهای مهم است.

۱۶- تقویت سازمان بازرسی کشور و نظارت و بازرسی دقیق بر عملکرد بانک ها، سازمانها و ارگانها.

۱۷- جهت دادن مبلغان و ائمه جمعه و جماعات به سمت مبارزه با اسراف که در آگاهی مردم و آموزش همگانی نقش خوبی دارند.

۱۸- استفاده و بهره گیری از برنامه های سازمان صدا و سیما؛ بهترین راهکار عملی و مؤثر این است که صدا و سیما به دلیل تأثیر گذاری بر مخاطب چند میلیونی خود می تواند با روشهای علمی افکار عمومی را از طریق قالبهای گوناگون هنری و ساختاری خویش تحت تعلیم جدی قرار دهد. برنامه هایی نظیر پیامهای بازرگانی که گاهگاهی به شکل آگاهی راهنمای و راندگی یا خطر های گاز گرفتگی و... پخش می شود مهم ترین نقش را دارد. این برنامه ها و پیامها با هدف مبارزه با اسراف در تمام لوازم زندگی، اعم از مواد خوراکی و پوشاکی و انرژی و... ساخته شود و در لابلای برنامه ها و سریالها به جای آن همه تبلیغات جوایز بانک ها و پیامهای بازرگانی، پخش شود. حداقل اگر یک دهم پیامهای بازرگانی را پیامهای مبارزه با اسراف، در برگیرد و در طول چندین سال، تداوم داشته باشد، بسیار تأثیر گذار خواهد بود. برنامه هایی نظیر برنامه خانواده - که مخاطب آن خانمهای کشور هستند - از طریق آموزش اقتصاد خانواده که غالباً در اختیار زنان کشور است می تواند نقشی مهم ایفا نماید.

برنامه های کودک می تواند هم کودکان را به رعایت مصرف صحیح عادت دهد و هم از طریق کودکان، بزرگسالان را تحت فشار و کنترل قرار دهد که همه چیز به اندازه مصرف شود. به تصویر کشیدن زندگی معصومین - علیهم السلام - با رویکرد پرهیز از اسراف و در یک کلام، به کارگیری رویکرد ضد اسراف در تمام برنامه های صدا و سیما و جلوگیری از پخش برنامه ها و رفتارهای که ناقض این هدف و ترویج کننده اسراف و تجملات می باشد





مهم‌ترین راهکار در پیشگیری و تغییر شیوه زندگی مسرفانه است، آن هم به شرط اینکه این رویکرد و برنامه‌ها به طور مداوم در طول چندین سال ادامه پیدا کند. مبارزه با اسراف، چیزی نیست که در مدت چند ماه، یا یک سال و دو سال، نتیجه دهد. این ملت در طول سالهای متمادی، با ریخت و پاش عادت نموده؛ پس اصلاح اینها به همان مقدار زمان نیاز دارد.

۱۹- تشکیل کمیسیون اصلاح الگوی مصرف در تمام ارگانهای دولتی و خصوصی می‌تواند نقش مهمی در تغییر زندگی تجملی و اسراف‌گرایی داشته باشد. تشکیل کمیسیون اصلاح الگوی مصرف در صداوسیما از اوجب واجبات است که برنامه‌های آن را با رویکرد اصلاح الگوی مصرف؛ تنظیم نموده و از پخش برنامه‌های اسرافگری و تجمل‌گرایی به شدت جلوگیری نمایند تا هیچ برنامه‌ای بدون مجوز این کمیسیون پخش نشود. به علاوه رفتارهای ترویج‌کننده اسراف را در رفتار هنرمندان که در عوامل اسراف-ذیل تجمل‌گرایی- بیان شد، اصلاح نمایند.

## نتیجه

مهم‌ترین یافته‌های مقاله را میتوان به شرح زیر بیان داشت:

۱- پرهیز از اسراف، نیازمند شناخت کامل از حکم، حد و مرز اسراف است که بایستی برای مردم، اطلاع‌رسانی شود، اکثر قریب به اتفاق این ملت به دستور قرآن معتقدند و اگر بدانند که اسراف جزء گناهان گیره است و حرمت آن از ضروریات دین است قطعاً رعایت خواهند کرد.

۲- از بین بردن اسراف بستگی دارد به زدودن عوامل اسراف دارد که با رفتن عوامل، معلول نیز از بین می‌رود. مهم‌ترین عوامل اسراف، عبارتند از: جهل و نادانی، ضعف ایمان، تربیت غلط؛ چشم و هم‌چشمی (تجمل‌گرایی) تهاجم فرهنگی، تبعیض، نداشتن آرمان و وجود ثروت‌های کلان در دست عده‌ای خاص.

۳- برای مبارزه با اسراف، ابتدا بایستی سند و نقشه راهبردی تهیه شود و با مدیریت قوی، فرهنگ‌سازی صورت گیرد. فرهنگ‌سازی را می‌توان از طریق گنجاندن این مسئله، در برنامه توسعه و نظام آموزشی کشور و آموزش همگانی به دست آورد که مهم‌ترین موارد آموزش همگانی، عبارتند از: آشنا نمودن مردم با تربیتهای معنوی اسلام، توجه دادن مردم به



قناعت و زیانهای اسراف و کیفیهای اخروی آن، توجه دادن مردم به نقش ثروت در گسترش مکتب اسلام و توسعه جمهوری اسلامی و پیروی کردن از زندگی معصومین-علیهم السلام- که آنها چگونه از نعمتهای خداوند استفاده میکردند.

۴- در نهایت، برای مبارزه با اسراف، ارائه الگوی آموزشی به مردم از طریق سازمانهای ذی ربط، از جمله بهره گیری از برنامه های صدا و سیما و تشکیل کمیسیون اصلاح الگوی مصرف در تمام ادارات دولتی و خصوصی، به ویژه در سازمان صدا و سیما، مؤثرترین راه به نظر می رسد.



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی



۱۸۰

فصل

سال پنجم / شماره بیستم / زمستان ۹۰

## پی نوشت‌ها

- ۱- محمدبن مكرم بن منظور، لسان العرب، ج ۹، ص ۱۴۸.
- ۲- خليل بن احمد فراهيدى، كتاب العين، ج ۷، ص ۲۴۴.
- ۳- راغب اصفهاني، المفردات فى غريب القرآن، ص ۴۰۷.
- ۴- فخرالدين طريحي، مجمع البحرين، ج ۵، ص ۶۹.
- ۵- طه/ ۱۲۷، مائده/ ۳۲، اعراف/ ۸۱، يونس/ ۱۲ و ۸۳، انبيا/ ۹، يس/ ۱۹، زمر/ ۵۳، غافر/ ۲۸ و ۳۸.
- ۶- فرقان/ ۶۷.
- ۷- اعراف/ ۳۱، نساء/ ۶، انعام/ ۱۴۱.
- ۸- اسراء/ ۳۳، آل عمران/ ۱۴۷. براى توضيح بيشتتر، نك: بهاء الدين خرمشاهى، دانشنامه قرآن و قرآن پژوهى، ج ۱، ص ۲۱۳.
- ۹- محمد حسين طباطبايى، ترجمه: سيد محمدباقر موسوى همدانى، ترجمه تفسير الميزان، ج ۴، ص ۲۷۶.
- ۱۰- ناصر مكارم شيرازى، تفسير نمونه، ج ۶، ص ۱۴۹.
- ۱۱- ميرزاى نورى، مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۲۷۲، ح ۱۸۲۱۷-۱۰.
- ۱۲- همان، ماده بذر.
- ۱۳- محمد باقر موسوى همدانى، ترجمه تفسير الميزان، ج ۱۳، ص ۱۱۲.
- ۱۴- اسرا/ آيه ۲۶: يعنى هيچ گونه ريخت و پاش و اسرافى نكن.
- ۱۵- محمدبن عياشى، تفسير عياشى، ج ۲، ص ۲۸۸، ح ۵۵.
- ۱۶- نهج البلاغه، خطبه ۱۲۶، ص ۱۸۳.
- ۱۷- مرتضى مطهرى، مجموعه آثار شهيد مطهرى، ج ۲، ص ۲۴۵.
- ۱۸- محمد حسين طباطبايى، پيشين، ج ۱۵، ص ۳۳۳.
- ۱۹- فرقان/ آيه ۶۷.
- ۲۰- بقره/ ۱۵۴.
- ۲۱- انعام/ ۱۴۱.
- ۲۲- اسراء/ ۲۷.
- ۲۳- غافر/ ۲۸.
- ۲۴- حرعالملى، وسائل الشيعه، ج ۲۱، ص ۵۵۵، ح ۲۷۸۵۹.
- ۲۵- غافر/ ۴۳.
- ۲۶- طه/ ۱۲۷.



- ۲۷- شعراء / ۱۵۱.
- ۲۸- یونس / ۸۳.
- ۲۹- انبیاء / ۹.
- ۳۰- اعراف / ۳۱.
- ۳۱- احمدنراقی، عوائد الایام فی بیان قواعد الاحکام، ص ۶۱۵.
- ۳۲- انعام / ۱۴۱.
- ۳۳- غافر / ۴۳.
- ۳۴- ناصر مکارم شیرازی، حکم الاضحیه فی عصرنا، ص ۲۵.
- ۳۵- سیدعبدالحسین دستغیب، گناهان کبیره، ج ۲، ص ۹۹.
- ۳۶- اعراف / ۳۱.
- ۳۷- حرعاملی، پیشین، ج ۱۱، ص ۵۰۰؛ سید هاشم بحرانی، تفسیر، برهان، ج ۲، ص ۱۰.
- ۳۸- محمدری شهری، میزان الحکمة، ج ۴، ص ۴۴۸.
- ۳۹- سید هاشم بحرانی، همان، ج ۲، ص ۴۱۶.
- ۴۰- احمدنراقی، پیشین، ص ۶۳۲.
- ۴۱- امام خمینی، ترجمه تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۹۱.
- ۴۲- همان، ج ۲، ص ۴۷.
- ۴۳- بقره / ۲۲۳.
- ۴۴- ناصر مکارم شیرازی وهمکاران، تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۱۸۸.
- ۴۵- میرزای نوری، پیشین، ج ۱۲، ص ۳۸۳.
- ۴۶- نهج البلاغه، خطبه ۳۱، ص ۶۹.
- ۴۷- اعراف / ۳۱.
- ۴۸- غافر / ۳۸.
- ۴۹- انبیاء / ۹.
- ۵۰- غافر / ۳۴.
- ۵۱- غافر / ۴۳.
- ۵۲- شعراء / ۱۵۱.
- ۵۳- نساء / ۳۷.
- ۵۴- اعراف / ۳۱.
- ۵۵- ناصر مکارم شیرازی وهمکاران، تفسیر نمونه، ج ۶، ص ۱۴۹.



- ۵۶- جالینوس پزشک معروف یونانی است.
- ۵۷- حسین ایرانی، مشکل اسراف، ص ۳۴.
- ۵۸- محمدبن علی الصدوق، علل الشرایع، ج ۲، ص ۵۸۹.
- ۵۹- به نقل از کتاب فارسی سال دوم دوره راهنمای تحصیلی درس ۱۶، ص ۱۳۱.
- ۶۰- انعام / ۱۴.
- ۶۱- حرعاملی، پیشین، ج ۱۵، ص ۲۶۲.
- ۶۲- غافر / ۳.
- ۶۳- مؤمن / ۲۸.
- ۶۴- غافر / ۳۴.
- ۶۵- حسین ایرانی، پیشین، ص ۳۵.
- ۶۶- همان.
- ۶۷- حرعاملی، پیشین، ج ۱۵ : ۲۵۸.
- ۶۸- غررالحکم، ص ۱۵۹.
- ۶۹- انبیا / ۹۰.
- ۷۰- غررالحکم، ص ۱۹۵.
- ۷۱- طه / ۱۲۷.
- ۷۲- غافر، ۴۳.
- ۷۳- بقره / ۱۷۲.
- ۷۴- ابراهیم / ۷.
- ۷۵- اسراء / ۲۷.
- ۷۶- شعرا / ۱۵۳.
- ۷۷- شهید دستغیب، پیشین، ج ۲، ص ۹۹.
- ۷۸- مثنوی، دفتر دوم، ص ۲۰۴.
- ۷۹- بحار الانوار، ج ۱۰۲، ص ۷.
- ۸۰- بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۴۶.
- ۸۱- نهج البلاغه، نامه ۴۵، ص ۷۰.
- ۸۲- صحیفه نور، ج ۱۹، ص ۲۲۴.
- ۸۳- اسراء / ۱۶.
- ۸۴- شهید مطهری، پنج مقاله، ص ۴۵.



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی



۱۸۴

فبیر

اسراف، عوامل و راهکارهای مبارزه با آن

- ۸۵- امام خمینی، صحیفه نور، ج ۱۹، ص ۲۰۴.
- ۸۶- شهید مطهری، بیست گفتار، ص ۱۶۵.
- ۸۷- سخنرانی مقام معظم رهبری، ۱۳۷۱/۳/۲۰.
- ۸۸- عبدالله جوادی آملی، نسبت دین و دنیا، ص ۲۴۷.
- ۸۹- شهید دستغیب، پیشین، ج ۲، ص ۹۹.



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی



۱۸۴

فصل

سال پنجم / شماره بیستم / زمستان ۹۰